

یادداشت

یادداشتی بر فیلم و فرمالین  
کالبدشکافی روایت در سینما

آبان مصدق

«فیلم و فرمالین» با عنوان فرعی کالبدشکافی روایت در سینما، عنوان کتابی است از رضا کاظمی که به‌تازگی در نشر مرکز منتشر شده است. نویسنده در دیباچه کتاب اشاره کرده که این اثر می‌کوشد طیف وسیعی از خوانندگان را مخاطب خود قرار دهد؛ از علاقه‌مندان ساده سینما تا منتقدان فیلم و از مشتاقان فیلم‌نامه‌نویسی و فیلم‌سازی تا فیلم‌نامه‌نویسان و فیلم‌سازان. این کتاب در گام نخست می‌خواهد تماشای فیلم را به‌عنوان «یک تجربه لذت‌بخش بی‌بدیل و ناب» عرضه کند و اولویت مهمش را انتقال «لذت منحصر به فرد سینما» دانسته است، اما بحث اصلی کتاب، آن طور که از عنوان فرعی‌اش هم برمی‌آید، روایت و عناصر بنیادین آن در سینماست: «تجزیه یا کالبدشکافی یک فیلم به عناصری مثل پیرنگ، زمان، مکان، شیوه‌های ایجاد کنش‌مندی و کشش دراماتیک، پایان‌بندی و... دو کارکرد مهم تنیده دارد: در یک روند مهندسی معکوس، آشنایی با این عناصر می‌تواند برای علاقه‌مندان به فیلم‌نامه‌نویسی و فیلم‌سازی در آفرینش یک روایت سینمایی سودمند باشد و دوم، منظری به تحلیل فیلم‌ها و چگونگی رویکرد به آنها می‌گشاید. بسیاری از فصل‌های این کتاب کتابی سنگین و پرورق را شکل دهند، اما نیتیم از نگارش و تدوین این سرفصل‌ها، رسیدن به شناختی موجز و در عین حال مؤثر از اجزای شکل‌دهنده روایت سینمایی بوده است.» کتاب در این راه راه‌گاز و روایت‌های ادبی هم بهره گرفته تا تصویر کامل‌تری از موضوع به دست دهد.



موضوعاتی که در فصل‌های مختلف کتاب ارائه شده‌اند همگی در پیوند با هم هستند و کتاب در ۱۳ فصل با این‌عنوان تدوین شده: «کنش‌مندی روایت: اتفاق، سببی است که می‌افتد»، «جایگاه راوی: خوشا نظر باز که تو آغاز می‌کنی»، «مکان و اقلیم در روایت: جا و جغرافیا»، «زمان در روایت: یکی بود یکی نبود»، «پیرنگ در روایت: حدیث نامکرر»، «تعلیق و پیش‌آدرنالین و لذت»، «پایان‌بندی: تا لحظه مرگ کوزت و مایکل کورلئونه»، «جهان‌بینی و بنیان متن: فیل در تاریکی»، «شخصیت در روایت: فردی در تمام فصول»، «نشانه و معنا: رهگذران کوچک‌های بن‌بست»، «قرار داد متن: بازی گریه و بی‌سیم»، «پست‌مدرنیسم: دود پراکنده شده» و «ضددراماتیک: فراموش کن و سپس شروع کن». در بخشی از فصل دوم کتاب که به جایگاه راوی مربوط است، درباره روایت در سینما می‌خوانیم: «بسیاری از رویکردهای نئوآمیز برای گشایش روایت در همان دهه‌های نخست شکل‌گیری سینما به کار گرفته شده‌اند (مثلاً نگاه کنید به نامه‌ای برای سه همسر ساخته جوزف آل. منکیه‌ویتز) اما سینما در ادامه هم فارغ از نوآوری در شیوه روایت نبوده است. لارس فن تریر در فیلم عجیب و ستایش برانگیز از یونانمونه‌والیش یافته آن‌چه را که در شهر عریان (جولز داسین) ذکر شد به کار گرفته است. در این فیلم دانای کل که انگار بازتابنده نصدای درونی ناظرمان سرگردان و پریشان فیلم است به شکلی پیشگویانه از کنش‌مندی‌های او در ثانیه‌های هراس و تردید سخن می‌گوید و هر بار پیش‌بینی‌هایش (که همراه با ثانیه‌شماری است) به وقوع می‌پیوندد. این شیوه، رفته‌رفته به‌قرار دادی میان مخاطب و متن تبدیل می‌شود و تأثیر و برانگیز و هولناکش را در سکناس پایانی فیلم بر مخاطب می‌گذارد.

زمانی که شاعر از دان و بلندفکر، حکیم فردوسی، پریشانی و زوال دولت سامانیان را حس کرد، به جمع‌آوری و حفظ حکایات، داستان‌ها و رسوم و آیین گذشتگان پرداخت و بزرگ‌ترین داستان حماسی جهان یعنی شاهنامه را آفرید

زبان قبطی مصر فزونی و گویش‌های آرامی سوریه، فلسطین، عراق و... را از فهرست زبان‌های جهان نابود می‌کرد؛ مهم آن است که زبان‌های در حال تشکیل و حتی بی‌خط ایرانی مردم خراسان و ماوراءالنهر را فروردین نتوانست. امامعلی رحمان در پیشگفتار کتاب شرح می‌دهد که با فرارسیدن استقلالیت و زبان دولتی اعلام شدن زبان تاجیکی، مسئله زبان اهمیت خاصی پیدا کرد و به حدی میرود که آن را می‌توان یکی از پدیده‌های مهم شعور ملی و افکار جمعیتی این سال‌ها نامید. او می‌گوید در تمام این دوره‌ها تاریخی و حتی در سخت‌ترین سال‌های جنگ داخلی، یکی از منفعتهایی که تمام گروه و طبقات جامعه را صرف‌نظر از ملیت‌ها و سمت‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی به هم می‌پیوست، زبان بود. زبان یگانه موردی بود که احزاب و حرکت‌های مختلف نسبت به آن همفکر و هم‌عقیده بوده‌اند و کمک کرد تا منفعت ملی از آرمان‌های گروهی و هدف‌های زودگذر حربی و ایدئولوژی بالاتر بایستد. سرفصل‌های کتاب نیز عبارتند از: دوره‌بندی تاریخی زبان تاجیکی، سرگذشت تاریخی واژه «تاجیک» و زبان تاجیکی، زبان مادر دوره استیلای عرب و نخستین سلاله‌های ایرانی تبار، زبان نوشتاری تاجیکی: دوره آغازین، دوره بالندگی و شکوفایی زبان تاجیکی (به گسترش زبان تاجیکی به صفت (به عنوان) زبان بین‌المللی. کتاب «زبان ملت، هستی ملت» نوشته امامعلی رحمان با برگردان حسن قریبی به رسم‌الخط فارسی در نشر خاموش منتشر شده است.



افلاطون نداشته باشد. او درباره بعد چهارمی که فلسفه ورزی در آن به صلح کمک می‌کند گفت: طی تاریخ صاحبان ایدئولوژی‌ها آدم‌ها را استخدام می‌کنند که مقابل هم‌قرار گیرند هم‌ایدئولوژی‌ها جنگ‌افروز هستند و با صلح مخالفند چون به غم تمام اختلافاتشان در اینکه حقیقت آشکار است اجماع دارند. مثلاً می‌گویند حقیقت آشکار است همان که فلاهی می‌گفت! پس این نظریه آشکارگی حقیقت سبب می‌شود هر که مخالف تومی اندیشد بگوید این ناپاکی در روش هست که در برابر حقیقت آشکار می‌ایستد. ایدئولوژی‌ها این‌ها را منظر نمی‌توانند صلح‌آمیز باشند.

ملکیان در پایان گفت: فلسفه‌نظر به

ذخیره‌ها و ازگان و اصطلاحات زبان می‌تواند باباوری درباره پیشرفت یا ضعف و سستی یگان‌ساحه حیات اجتماعی و اقتصادی در دوره‌های مختلف قضاوت کرد. از سوی دیگر زبان منبع بسیار معتمد برای آموزش تاریخ و فرهنگ و تمدن است که در آن عقیده و موقعیت شخصی نقش مؤثری ندارد.

حکیم فردوسی؛ پیشوای زبان ملی

او همچنین با اشاره به تاریخ دولت‌داری آریایی تأکید می‌کند که دولت‌های باستانی همیشه کوشش و جهد می‌کردند که برای استوار کردن پایه‌های دولت‌داری و به وجود آوردن و مستحکم کردن دولت‌داری ملی و وحدت و یگانگی از عنصر زبانی استفاده برده، برای رشد و ترقی و گسترش زبان مصادری خویش تدبیرهای مشخص اندیشیدند. در نتیجه چنین سیاست ملی‌ای نخستین آثار به زبان تاجیکی (دری، فارسی) پیدا شده، بزرگ‌ترین پیشوایان این زبان و ادبیات، ابوعبدالله رودکی، حکیم ابوالقاسم فردوسی توسی و برجسته‌ترین عالمان عصرهای میانه مانند ابوریحان بیرونی، ابن سینا، ناصر خسرو و بیروان و شاگردان آن‌ها، معروف‌ترین آثار علمی آن دوره را به زبان مادری خویش نوشته‌اند یا زمانی که شاعر از دان و بلندفکر، حکیم فردوسی، پریشانی و زوال دولت سامانیان را حس کرد، به جمع‌آوری و حفظ حکایات، داستان‌ها و رسوم و آیین گذشتگان پرداخت و بزرگ‌ترین داستان حماسی جهان یعنی شاهنامه را آفرید.

نویسنده یکی از ویژگی‌های بسیار مهم زبان تاجیکی را خاصیت به هم‌آوری یا وحدت آفرین آن می‌داند. خصوصیتی که در تشکیل آن به عنوان یک زبان عمومی برای مردم ایرانی تبار نقش مؤثری ایفا کرد. صفت دیگر این زبان در نگاه او، توانایی و رقابت‌پذیری آن است. شاهد این مدعی هم آنکه وقتی که زبان عربی هم‌پای فتوحات و گسترش اسلام در یک قسمت بزرگ جهان فاتحانه قدم زد، زبان بسیاری از دولت‌های مقتدر دنیای قدیم، مانند زبان محلی اسپانیه، لهجه‌های رمانی سیستیلیه، زبان‌های بربری ساحل‌های افریقای شمالی،

آزاد و مستقل بوده، زبان هم شکوفایی و استقلال داشته است و برعکس. افزون بر این از همان ابتدای پیدایش، زبان یکی از عوامل و انگیزه‌های اساسی جنبش‌های استقلال‌خواهی و وطن‌پرستی بوده است. غلامعلی حداد عادل (رئیس فرهنگستان زبان فارسی) نیز در یادداشتی بر ترجمه کتاب به رسم‌الخط فارسی می‌نویسد: «همچنان که هر شخص برای خود شناسنامه‌ای دارد که در میان جمع و جامعه شناخته می‌شود، ملت‌ها نیز برای خود شناسنامه‌ای دارند که با آن در جامعه جهانی و در جمع ملت‌های جهان شناخته می‌شوند. در شناسنامه هر ملت، جایی پیش‌بینی شده که در آن زبان رایج و رسمی آن ملت ذکر می‌شود. زبان هر ملت، از آن‌کان اصلی هویت‌بخش آن ملت است. زبان ملت هر چه غنی‌تر و کهن‌تر و فاخرتر باشد، هویت ملت ریشه‌دارتر و معتبرتر خواهد بود. عمیق بودن ریشه زبان و ادبیات در طول تاریخ به درخت زندگی ملت، سرسبزی و بارآوری بیشتر می‌بخشد و آن را در برابر طوفان‌های سهمگین مقاوم می‌کند. در جهان امروز سه ملت ایران، تاجیکستان و افغانستان به داشتن زبانی کهن و نیرومند و بالنده افتخار می‌کنند و آن‌را در میان ملت‌های دیگر، مایه سربلندی می‌شناسند.» به زعم امامعلی رحمان زبان در مجموع یک قسمت مهم یا عبارت دیگر یک بخش نگارنده تاریخ خلق تاجیکستان بوده است؛ آینه‌ای که در آن راه‌دور و دراز طی کرده خلق تاجیک، با همه فراز و فرود آن انعکاس یافته است. یعنی با مطالعه آن درباره بسیاری از جنبه‌ها و مسائل مهم حیات گذشتگان اطلاعات و آگاهی به دست می‌آید که حتی تاریخ‌نگاران به آنها کمتر توجه کرده‌اند؛ برای مثال از روی



به مقصد آگاهی بیشتر خواننده از تاریخ زبان مادری با سبک علمی و عاموی قابل فهم طبقات مختلف جامعه نوشته شده است. نویسنده شرح می‌دهد که زبان تاجیکستان با استقلال و وطن‌پیوند ناگسستگی دارد؛ یعنی وقتی که وطن



افسانه فرقدان

در طول تاریخ اثبات شده است که در رقابت و قدرت‌نمایی بین امپراتوری‌های بزرگ جهان، آن امپراتوری که در زبان پیشرفت بیشتری کرده و چند گام جلوتر رفته توانسته است ترازوی قدرت را به سمت خود بالا ببرد

راه خود اختصاص داده است. بالاخره اینکه در بخش پایانی کتاب به گسترش زبان تاجیکی به عنوان زبان بین‌المللی اشاره شده است. اصطلاح زبان تاجیکی در این کتاب به معنا و مفهوم علمی و سیاسی امروزی آن، یعنی زبان دولتی یک کشور مستقل جهان، جمهوری تاجیکستان، استفاده شده است. ولی در متن هنگام رجوع به دوره‌های گذشته همچنین نام تاریخی و رسمی آن در آن روز گران، فارسی، دری یا فارسی دری به کار برده شده که هم‌دیف زبان تاجیکی هستند. کتاب جنبه معرفتی داشته و به مقصد آگاهی بیشتر خواننده از تاریخ زبان مادری با سبک علمی و عاموی قابل فهم طبقات مختلف جامعه نوشته شده است. نویسنده شرح می‌دهد که زبان تاجیکستان با استقلال و وطن‌پیوند ناگسستگی دارد؛ یعنی وقتی که وطن

فراموشی سپرده‌اند. این چنین اتفاقی را می‌توان در فتح مصر به دست اعراب دید؛ مصر با وجود داشتن تمدن در برین زبان و فرهنگ مختص به خود، اما مغلوب و شدن به اعراب و مغلوب شدن زبانش در برابر زبان عربی، هویت و استقلال هزاران ساله خود را از دست داد و به کشوری عربی تبدیل شد. بدون تردید ایران نیز به کشوری عربی تبدیل می‌شد، اگر حکیم ابوالقاسم فردوسی نبود و یک تنه برای حفظ زبان ملی و زنده نگه داشتن فرهنگ و تاریخ ایران تلاش نمی‌کرد. اکنون در این شماره از صفحه کتاب به معرفی کتابی که به این مهم پرداخته و عنصر زبان را در حفظ استقلال ملی و هویت ملی بررسی می‌کند، می‌پردازیم.

**اهمیت زبان ملی در استقلال**  
کتاب «زبان ملت هستی ملت» نوشته امامعلی رحمان از اهمیت زبان ملی در استقلال می‌گوید. کتاب از شش باب تشکیل شده و نویسنده در ابتدایه دوره‌بندی تاریخ زبان تاجیکی و دوره‌های تاریخی این زبان اشاره کرده است. در باب دوم سرگذشت تاریخی واژه «تاجیک» و زبان تاجیکی بررسی شده و در باب سوم به سرگذشت این زبان در دوره استیلای عرب و نخستین سلسله‌های ایرانی تبار اشاره شده است. زبان نوشتاری تاجیکی در دوران آغازین آن و در دوران بالندگی و شکوفایی آن باب‌های چهارم و پنجم کتاب

زبان یک ملت هویت آن ملت را می‌سازد و می‌تواند آن ملت را با تمام ویژگی‌ها و خصیصه‌هایش از دیگر ملت‌ها متمایز کند. اما کارکرد زبان تنها به همین جا خاتمه نمی‌یابد، چرا که در طول تاریخ اثبات شده است که در رقابت و قدرت‌نمایی بین امپراتوری‌های بزرگ جهان، آن امپراتوری که در زبان پیشرفت بیشتری کرده و چند گام جلوتر رفته توانسته است ترازوی قدرت را به سمت خود بالا ببرد. از زمان اختراع زبان و خط، رقابت میان هخامنشیان و امپراتوری رُم همیشه در نوسان بوده است. بررسی‌های تاریخی و تاریخ‌نگاران نشان می‌دهد که در مقاطعی که یکی از این دو امپراتوری در زبان جلوتر رفته‌اند، قدرت را در جهان در دست داشته‌اند. زبان یک ملت حتی هنگامی که تحت تاخت و تاز متجاوزان خارجی قرار می‌گرفته‌اند، اگر حتی با تغییراتی اندک، اما حفظ آن به حفظ فرهنگ، این بزرگ‌ترین عامل هویت ملی، و در نتیجه آن، حفظ استقلال یا بازپس‌گیری استقلال آن ملت انجامیده است. اما سرزمین‌هایی که زبان خود را به قوم متجاوز باخته‌اند، استقلال خود را از دست داده‌اند و هویت خود را نیز به

گزارش

گزارش نشست خانه وار طابان با حضور مصطفی ملکیان

فلسفه، جامعه و صلح در کدام نقطه یکدیگر را قطع می‌کنند؟

موسوز دین در کلاس‌های فلسفه، مدرسان فلسفه، مولفان و مخاطبان فلسفه... نیستند چون در ایران کنونی فیلسوفان کمی نداریم که ضد صلح هستند پس مراد من فلسفه خوانی، فلسفه دانی، متعلم فلسفه و... نیست بلکه کسی است که فلسفه می‌ورزد و با این فلسفه زندگی خود را پیش می‌برد. ممکن است استاید به نام فلسفه نتوانند به صلح کمک بکنند! مافرد فلسفه‌ورزی می‌تواند چنین کند او با بیان اینکه خدمتی که فلسفه به صلح می‌کند خدمتی است که فلسفه ورزی به صلح می‌کند نه فلسفه دانی و فلسفه خوانی! یادآور شد: اگر من فلسفه بورزم و فیلسوفانه زندگی کنم و بیاندیشم و سبک زندگی‌ام فیلسوفانه باشد به میزان نفوذ در جامعه خودم به گسترش زندگی صلح‌آمیز کمک کردم. این استاد فلسفه با طرح این سوال که فلسفه ورزی چگونه به صلح کمک می‌کند؟ توضیح داد: فلسفه ورزی در چهار بعد به صلح کمک می‌کند؛ نخست این است که در فلسفه با گفت‌وگو و دیگر ی‌گیری غلبه می‌کنیم یا مغلوب می‌شویم و در هیچ رشته دیگری چنین چیزی وجود ندارد.

مصطفی ملکیان، مدرس و محقق حوزه فلسفه و اخلاق، در نشست «فلسفه، جامعه و صلح» که در خانه وار طابان برگزار شد، طی سخنانی گفت: برای پیدا کردن جهانی که محل صلح و زندگی مسالمت‌آمیز باشد چهاره‌ای نیست جز اینکه در آدمیان عقاید، احساسات و عواطف خاصی پدید بیاید. همه چیز از درون ما آدمیان نشأت می‌گیرد و از هیچ جای دیگر نمی‌توان امید به بهبود داشت. به گزارش خبرگزاری کتاب (ایبنا)، او ادامه داد: جهان صلح‌آمیز با داشتن هر عقاید و باوری امکان پذیر نیست، چون برخی از خواسته‌ها و نیازهای انسانی کاملاً مخالف پیدایش جهان توأم با صلح‌اند. پس اگر بناسط جهانی صلح‌آمیز داشته باشیم باید همه مذاقمان را در باور‌ها، احساسات و خواسته‌های آدمیان متمرکز کنیم. ملکیان افزود: از این لحاظ اینکه فلسفه چه خدمتی به پیدایش صلح دارد بستگی به این دارد که بدانیم فلسفه با باور‌ها، احساسات و نیاز‌ها و خواسته‌های ما چه می‌کند؟ بنابراین من در این باره سخن می‌گویم. در اینجا وقتی از فلسفه سخن می‌گویم منظورم